

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

تنبیه سوم مسئله تخییر: محل بحث در خبران متعارضان

گفتیم روایات تخییر بر روایات توقف تقدم دارد و تخییر مستفاد از روایات تخییر، تخییر در مسئله اصولیه و تخییر استمراری است. مطلب دیگر این است که ببینیم مورد خبران متعارضان و مختلفان کجاست یعنی کجا باید مسئله تخییر را مطرح کنیم.

امام (قدس سره) از یک زاویه می‌فرماید در خبران مختلفان سه صورت داریم:

صورت اول: سند دو روایت کاملاً درست است اما کاملاً با یکدیگر مغایرت دارند؛ مثلاً کلینی مطلبی را به سندی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند و شیخ هم به سندی دیگر روایتی را که با آن روایت معارض است نقل می‌کند.

صورت دوم: یرد علینا خبران مشترکان فی جمیع السلسله؛ مثلاً کلینی خبری را با سندی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند و همین کلینی با همین سند خبر معارض را هم نقل می‌کند یعنی می‌گویند کلینی عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد عن حریز عن زرارہ عن الصادق علیه السلام صلاة الجمعة واجبة و دوباره به همین سند بدون هیچ اختلافی صلاة الجمعة محرمة.

صورت سوم: دو خبر متعارض قد یشرکان فی بعض و یمتازان فی بعض و له صور کثیرة کالاشتراك فی اول السلسلة أو وسطها أو آخرها. صورت سوم سه فرض دارد به این بیان که دو روایت از حیث سند با هم در مواردی مشترک و در مواردی اختلاف دارند که موارد مشترک گاهی در اول سند و گاهی در وسط و گاهی در آخر سند است.

ایشان از زاویه دیگر می‌فرماید گاهی اوقات دو روایت که با هم تعارض می‌کنند ما می‌توانیم با قرائن احراز کنیم که یکی از این دو از امام (علیه السلام) صادر شده‌است که مشمول روایات تخییر نیست و همان تعیین دارد. ولی گاهی چنین امکانی وجود ندارد و احراز نمی‌شود یعنی احتمال می‌دهیم هر دو از امام صادر شده باشد که باید دید آیا مسئله تخییر در اینجا مطرح است یا خیر؟!

زاویه دیگر این است که گاهی اوقات اختلاف بین دو حدیث به خاطر اختلاف دو نسخه از یک کتاب است یعنی منشأ اشتباه، نسخا هستند نه ناقلین آن حدیث که این صورت هم دو فرض دارد: الف- قد یكون فی الجوامع المتأخره کالکتب الاربعه ب- قد یكون فی الجوامع و الاصول الاولیة.

ایشان در ادامه می‌فرماید اولاً کسی نگوید اخبار علاجیه که از آن تخییر استفاده می‌شود فقط مربوط به زمان حضور امام و اخبار بلا واسطه است در نتیجه شامل اخباری که با پنج شش واسطه به دست کلینی و شیخ رسیده نمی‌شود چون وقتی

می‌فرماید حدیثان مختلفان دارد و شامل با واسطه و مع الواسطه می‌شود.

ثانیاً «لا إشكال في شمولها و لو بإلقاء الخصوصية و فهم العرف للخبرين مع اشتراكهما في جميع السلسلة أو بعضهما.» فرضی که کلینی به یک سند دو خبر مختلف را نقل کند مسلماً مشمول اخبار تخییر است چون هر چند در اخبار تخییر تعبیر «یجیننا الرجلان و کلاهما ثقة بحديثین مختلفین» ولی یجیننا الرجلان موضوعیت نداشت لذا القاء خصوصیت می‌کنیم و عرف می‌گوید ملاک و موضوع فقط حدیثین مختلفین است پس اگر حدیثین مختلفین توسط دو یا یک مرد مختلف هم باشد فرقی ندارد کما این‌که اگر این دو حدیث توسط دو یا یک زن هم نقل شود فرقی وجود ندارد.

ایشان در ادامه می‌فرماید اگر کسی بگوید ما چیزی به نام القاء خصوصیت نمی‌فهمیم یعنی این‌که امام در مورد خبران متعارضان فرموده‌است یجیننا الرجلان فوقش این است که این دو نفر دو زن هم باشد عیبی ندارد ولی حتماً باید دو نفر دو حدیث مختلف را نقل کنند؛ ما در جواب می‌گوئیم از راه اطلاقات ادله تراجیح و ادله تخییر وارد می‌شویم که در سوال یجیننا الرجلان وارد نشده‌است و در بعضی هم که سائل یجیننا الرجلان را مطرح کرده‌است امام به نحو کلی می‌گوید اگر خبران مختلفان آمد حکم مسئله تخییر است.

ثالثاً اختلاف در نقل نسبت به جوامع اولیه مصداق اختلاف در حدیثین است؛ مثلاً اگر کلینی، شیخ یا صدوق هر کدام روایتی را به گونه‌ای نقل کردند این از موارد اختلاف حدیثین است؛ چون در جوامع اولیه صاحب هر اصل آن‌را برای شاگردش و شاگردش برای شاگردش قرائت می‌کرد؛ لذا بنا بر قرائت حدیث و سماع از مشایخ بوده‌است لا الاخذ من الكتب پس اگر اختلافی وجود داشته باشد معلوم می‌شود اختلافی وجود داشته‌است. اما نسبت به جوامع متأخره اختلاف در نقل چنین نیست و مصداق اختلاف در نسخ است لذا مندرج در اخبار علاج نیست چون از قبیل اشتباه حجت بلاحجت می‌شود که قواعد علم اجمالی باید در آن پیاده شود.^[1]

مرحوم امام در ادامه می‌فرماید اگر احراز کنیم علت اختلاف بین دو خبر اشتباه در نسخ است - البته تعبیر ایشان نقله است که احتمال دارد نسخ را هم شامل و شاید هم شامل نشود و مراد ایشان همان نقله باشد - یا حتی احتمال آن هم موجود باشد، ابتدا می‌فرماید یشکل الاندراج چون نمی‌توان یکی از دو روایت را به امام (علیه السلام) نسبت داد لذا موضوعی برای اخبار تخییر باقی نمی‌ماند.

اما در ادامه می‌فرماید از دو راه می‌توان گفت حتی در جایی که احراز می‌شود نیز می‌توان روایات تخییر را جاری دانست: الف - مناسبات مرتکزه در ذهن عرف یعنی بگوئیم عرف کاری ندارد به این‌که یکی از اینها مال امام است یا نه بلکه عرف می‌گوید الآن دو روایت معتبر به مردم رسیده که مصداق خبرین مختلفین است لذا همان ملاکی که اگر احراز کردیم هر دو از امام است در اینجا هم وجود دارد. ب - اگر گفتیم موضوع خبران متعارضان، تعارض فی الواقع است ارتکاز وجود ندارد ولی می‌دانیم موضوع تعارض، تعارض فی الظاهر است.

ب - اطلاق ادله یعنی خبرین مختلفین که مقتضی شمول نسبت به احراز و عدم احراز است.^[2]

بررسی دیدگاه مرحوم امام

به نظر ما هر چند اختلاف در نقل نسبت به جوامع اولیه مصداق اختلاف در حدیثین است و کلام مرحوم امام تام است اما کلام اخیر ایشان و نسبت به دو راه اشکال وجود دارد؛ چون اولاً صدق خبرین متعارضین در اینجا وجود ندارد به این بیان که شبهه شبهه موضوعیه است یعنی اینجا فقط یک خبر داریم که مثلاً زراره آن‌را به عنوان یحرم و محمد بن مسلم همان را به عنوان لا

ثانیاً مورد خبران متعارضان جایی است که دو خبر در کار باشد در حالی که اینجا می‌دانیم یک خبر از امام معصوم (علیه السلام) صادر نشده‌است وقتی چنین شد فرض تعارض ممکن نیست.

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين.

[1] □ در گذشته از مرحوم آقای خوئی نقل کردیم که ایشان اولاً اخبار تخییر را سنداً یا دلالتاً کنار گذاشتند و ثانیاً گفتند از اول تا آخر فقه موردی نداریم که فقهاء بر اساس خبران مختلفان فتوای به تخییر داده باشند. البته در کتاب الحج یک مورد که خود ایشان بر اساس خبران مختلفان مسئله تخییر را مطرح کردند را پیدا کردیم. شاید سرّ کلام‌شان این باشد که در حال حاضر فقهای ما فقط دسترسی به جوامع متأخره و کتب اربعه دارند که منشأ اختلاف نقل در کتب اربعه اختلاف در قرائت نیست بلکه منشأ، اختلاف در استنساخ است در نتیجه می‌گوئیم روی این بیان موردی برای اخبار تخییر باقی نمی‌ماند.

بله قدما و کسانی که قریب العصر به زمان حضور معصوم (علیه السلام) بودند و اصول اربعه مائه در اختیارشان بوده‌است مثل شیخ طوسی و... روایات مختلفی در اصول اربعه مائه مورد برای تخییر واقع می‌شده است اما در جوامع متأخره چون از باب اشتباه در استنساخ است نمی‌شود مسئله تخییر را مطرح کرد.

[2] □ «ان أدلة التخییر و الترجیح مختصة بالخبرين المختلفين، و صور مجيء الخبرين و وصولهما إلینا كثيرة حاصلة من الاخبار مع الواسطة، فرما یرد علینا خبران ممتازان في جميع سلسلة السند كما لو كان لنا طریق إلى الكليني و هو إلى الإمام عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد عن حریز عن زرارة عن أبي عبد الله، و طریق آخر إلى الشيخ و هو إلى أبي عبد الله بطریق آخر غیر طریق الكليني، و ربما یرد علینا خبران مشترکان في جميع السلسلة فحدثنا الكليني بطریقه المتقدم حديث و بما یخالفه، و قد یشتريکان في بعض و یمتازان في بعض، و له صور كثيرة كالاشتراك في أول السلسلة أو وسطها أو آخرها. ثم انه قد یحرز بالقرائن ان ما صدر من الإمام هو أحدهما و انما وقع الاختلاف من بعض النقلة و قد لا یحرز ذلك و احتمال صدورهما، و قد یحرز صدورهما، و أيضا قد یكون الاختلاف من جهة اختلاف نسخ الكتب لأجل الاشتباه بالناسخين لا النقلة، و هذا قد یكون في الجوامع المتأخرة كالكتب الأربعة و قد یكون في الجوامع و الأصول الأولية كما لو حدثنا الشيخ بإسناده عن كتاب الحسين بن سعيد حديثاً و روی الصدوق هذا الحديث عنه بزيادة أو نقيصة أحرز کونهما من اختلاف النسخ و قد لا یحرز ذلك و احتمال کونهما مختلفين لأجل السماع من الشيخ. ثم انه لا إشکال في شمول اخبار العلاج للاخبار مع الواسطة كما انه لا إشکال في شمولها و لو بإلقاء الخصوصية و فهم العرف للخبرين مع اشتراكهما في جميع السلسلة أو بعضهما فان قوله یجیننا الرجلان و کلاهما ثقة بحديثين مختلفين، و ان کان مورده مجيء الرجلين لكن المتفاهم منه عرفا ان الحديثين المختلفين بما هما مختلفان موضوع الحكم و ان أتى بهما شخص واحد هذا، مع ان إطلاقات أدلة التراجیح یقتضی ذلك کقوله في صحیحة عبد- الرحمن بن أبي عبد الله: «إذا ورد علیکم حديثان مختلفان فاعرضوهما على کتاب الله و قوله في رواية محمد بن عبد الله: إذا ورد علیکم خبر ان مختلفان فانظروا إلى ما یخالف منهما العامة» إلى غیر ذلك، و معلوم ان موضوع اخبار الترجیح و التخییر واحد فإذا حدثنا الكليني عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد عن حریز عن زرارة بحديثين مختلفين یصدق علیهما قوله: «إذا ورد علیکم حديثان مختلفان». و اما اختلاف نقل الشيخ و الصدوق مثلاً عن الجوامع الأولية فالظاهر انه أيضا من اختلاف الحديثين، لأن بناء السلف كان على قراءة الحديث و السماع من المشايخ لا الأخذ من الكتب (نعم) اختلاف نسخ الجوامع المتأخرة انما هو من اشتباه النساخ و لم یندرج في اخبار العلاج، و لو أحرز کون الصادر من الإمام علیه السلام حديثاً واحداً و کان الاشتباه من النقلة یشكل الاندراج و ان لا یبعد ببعض المناسبات المرتکزة في ذهن العرف، بل إطلاق بعض أدلة الترجیح مع وحدة الموضوع یقتضی الشمول فتدبر جيداً»

الرسائل، ج2، ص: 63 و 64.

